علی‌اصغر حکمت

ستانبول - شهریور ۱۳۳۰

ایاصوفیا

طهران — مهرماه ۱۳۳۰

چاپخانهٔ مجلس

ایاصوفیا

علی اصغر حکمت

استانبول - شهریور ۱۳۳۰

ایا صوفیا

بنای عظیم و رفیعی که بنام **ایا صوفیا** معروف آفاق است . در تاریخ صنایع ظریفهٔ جهان ، و هنر معماری بنی نوع انسان شأنی بسیار دارد . این گنبد و شادروان که در ساحل غربی بُسفر جای گرفته همواره نظاره گاه مردم شرق و غرب و مورد اعجاب و تحسین و تحقیق و مطالعهٔ دانشمندان عالم است .

مردم این سر زمین چه در اعصار باستانی بیزانطیه ، و چه در قرون معاصر باین اعجوبهٔ صنعت که مایهٔ عزّت شهر شهیر ایشان است مباهات ها کرده‌اند - ایوانهای رفیع ، مناره های بلند ، ستونهای ظریف ، و دَرْها و لوحه ها و محراب ها و صور و تماثیل وخطوط ، که پیکر آنرا ترتیب کرده‌اند بسالها تماشا گاه خلائق بوده و در زیر گنبد بلند آن هزاران اهل دل وصاحبان ذوق ومعتقدان دین به مراقبه و تفکر و راز و نیاز پرداخته‌اند . هر گوشهٔ آن آیتی آشکار از تحوّل روز گار وهر ضلع آن نشانی روشن از گردش زمانه است .

گویا مشیّت ازلی بوده است که این قطعه از کرهٔ خاك دیرزمانی بتکده ، وروزگاری کلیسا ، وسالیانی مسجد باشد ، تا این ایام که سرانجام بصورت موزه و متحف درآمده است و همیشه مقصد زائران و مطاف صاحبدلان است کـه جمعی کثیر با دل های پر از شور ایمان ، و گروهی انبوه با سرهای پر ازشرار ذوق احرام حریم آن بسته‌اند .

نویسندهٔ این سطور را درشهریور ماه ۱۳۳۰ برآن آستان گذرافتاد ، ساعاتی چند درآن جا بسر برد ، وبر در و دیوارآن بدیده عبرت نگریست ، ازنقش ونگارآن درس های عبرت گرفت . ادوار گونا گون تاریخ و حوادثی که درطی مدّت پانزده قرن برآن گذشته درصحیفهٔ خاطر نمایان گشت . افکاری چند دردل نژند پدیدآمد ، آن اندیشه‌های پریشان را در قالب سخنانی نا رسا و کلماتی نا سره بنظم آورد کـه پارسی زبانان را ارمغانی بس ناچیز و اهل هوش را هدیه‌ای بس محقّر باشد .

ایا صوفیا

۱ - پیام

از دل سترد چرخ ، غم ننگ و نام را
تاسوی دیر برد ز مسجد زمام را .
افروخت آتشی به تن ما شرار عشق
خاکستری نماند دل نیم خام را .
از ری بصبحگاه چو طیّاره پر گشود
در روم گشت جایگزین وقت شام را .
از بحر روم(۱) طرفه نسیمی بما وزید
خوشبوی کرد ساحل بسفور(۲) مشام را .
بر طرف طولمه باغچه(۳) تا تن مقیم شد
بس نغمه ها که جان بسرود آن مقام را .
ای پیک صبحدم چو رسی بر دیار یار
از ما رسان بحضرتِ او این پیام را :
جام صفا بیا ز ایاصوفیا بنوش
« صوفی بیا که آینه صاف است جام را »(٤)

---

(۱) بحرروم یابحر متوسط . Méditerranée - دریای معروف که دروسط سه اقلیم : اروپا (شمال) افریقا (جنوب) وآسیا (مشرق) قرار دارد - دریاهای مرمره و سیاه از متفرعات آن اند .

(۲) بسفور Bosphore - تنگهٔ معروفی است که دریای مرمره را به دریای‌سیاه متصل میسازد وشهر قسطنطنیه (استانبول) در ساحل غربی آن قرار دارد .

(۳) طولمه باغچه - ازقصور عالی سلاطین عثمانی است که درساحل اروپائی بسفور بنا شده - وایشان در این اواخر آنرا بتکلف تمام ساخته و پرداخته‌اند ، و از ابنیهٔ ظریفه وبارك های زیبای آن‌شهر است ، ومعنی کلمه « باغ انباشته از گل و گیاه » میباشد .

(٤) صوفی‌بیا . . . مصراع اول از مطلع غزل معروف خواجه حافظ است که در اینجا بمناسبت مقام تضمین شده . « صوفی بیا که آینه صاف است جام را تا بنگری صفای می لعل فام را

II - بتکده

روزی که در بشر خبر از خیر و شر نبود ،
اندیشهٔ ز محشر ، اندر بشر نبود .
باطل رواج و کفر روان ، شرک آشکار ،
وز دینِ حق بعرصهٔ عالم اثر نبود !
در نزد رومیان بهمه دانش و هنر
جز کیش بت پرستی ، کیش دگر نبود .
آئین آپولون(۱) بُد و ایمانِ ژوپیتر(۲)
کس را مگر ز دعوت بولس(۳) خبر نبود .
بر جای سنت صوفیه(٤) بر نام افرودیت(٥)
معبد سه چار بود و یکی راهبر نبود .
روزی سیاه بُد که ز پند پیمبران
روشن جهان چو چشمهٔ تابان خور نبود !
چون گشت فرّ ایزدی از خاور آشکار
باری سخن ز اهرمن باختر نبود !!

---

(۱) آپلون Apollon - یکی از ارباب انواع یونانیان و رومیان است . او را الٰهه طب و شعر و هنر و اغنام و روز و شب و آفتاب میدانسته اند . فرزند ژوپیتر ، و دارای اساطیر و افسانه های بسیار است .

(۲) ژوپیتر Jupiter - پدر خدایان ورب‌الارباب ، دراساطیر یونانیان و رومیان صاحب افسانه‌ها و روایات بسیار است .

(۳) بولس یاسن‌پال . Saint Paul ملقبّ به رسول ، پیشوای‌دعوت مسیح درقرن اول میلادی . در شهر طرسوس متولد شد و در سال ٦٧ م . در رُم بقتل رسید . او را از بزرگترین مؤسسین اولیهٔ کلیسای غربی میشمارند .

(٤) سنت صوفیه Sainte Sophie - به یونانی « ایاصوفیا » نام کلیسای معروف بیزانطیه که بنام « قدیسهٔ صوفیا » یعنی « حکمت مقدس » ویا بیاد « سنت صوفیه » که ازشهداءِ عالم مسیحی است بنا شده و از سال‌های ٥٥٨ تا ٣٣٠ م ساختمان آن انجام گرفته است .

(٥) افرودیت Aphrodite - نامی است که رومیان به الههٔ جمال نهاده‌اند که به یونانی ونوس نام دارد و در بارهٔ آن اساطیر فراوان است . حفریات اخیر ثابت کرده که در مکان فعلی ایا صوفیا قبل از امپراطوری روم شرقی در ازمنهٔ قدیم سه معبد بنام افرودیت و اپلون و آرتمیز وجود داشته که رومیان و یونانیان آن خدایان را پرستش میکرده‌اند .

III - کلیسا

چون شاهِ روم بر در بیزانس (۱) پا گذاشت،
همت ز ملکِ غرب سوی شرق بر گماشت .
اندر کنار تنگهٔ بُسفر بنام شاه(۲) .
قسطنطنیّه (۳) رایت اقبال برفراشت.
در جستجوی بارِ حقیقت زباغ عمر
قیصر نهال دین مسیحا بدل بکاشت .
دیری پر از نگار، مر از مرمر سفید
اندر کنار مرمره (٤) جوستینیان (٥) نگاشت.
بس سنگ ها که خواست ز اطراف شام و روم(٦)
بس رنج ها که بُرد بهنگام شام و چاشت .
بر یاد حکمت ازلی در حریم قدس(۷)
برآن کنیسه (۸) نام « ایا صوفیا » گذاشت.

---

(۱) بیزانس Byzance - نام شهری است یونانی که در ساحل بوسفر قرار داشت و بعد از کنستانتین کبیر پایتخت امپراطوری روم شرقی شد و آنرا [illegible] در حدود ۶۷۵ ق . م . بنا نهاده بودند .

(۲) بنام شاه - پس از آنکه در اوایل قرن چهارم میلادی کنستانتین کبیر پایتخت خود را در بیزانس مقرر فرمود آنشهر بنام وی Constantinople نامیده گردید .

(۳) القسطنطنیه - معرب کنستانتینوپل میباشد و در قرون وسطای تاریخ اسلام نزد جغرافیون عرب باین نام مشهور است .

(٤) مرمره - دریای کوچکی است از شعب فرعی بحر روم که با آن از تنگه داردانل و با دریای سیاه از تنگهٔ بسفر متصل است .

(٥) جوستینیان اول - از امپراطوران نامی روم شرقی که از ۵۲۷ تا ۵۶۵ سلطنت کرده و جنگهای بسیار باواندالها درغرب و با ایرانیان در شرق دارد . از [illegible] مؤسس و مقنن و بانی کلیسای ایاصوفیای کنونی است .

(٦) بس سنگها . . . - درتاریخ نوشته‌اند که جوستینیان برای بنای [illegible] ایاصوفیه ستونهای گرانبها واحجار ظریف ازاکناف کشور خود طلب فرمود وحکام اواز ایطالیا ومصر و شام و یونان ستونها و سنگهای بسیار به قسطنطنیه فرستادند .

(۷) بریادحکمت ازلی - ایاصوفیا مرکب است ازدو کلمه یونانی (ایا) یعنی مقدس - و(صوفیا) یعنی حکمت - و گویند چون قیصرجوستینیان آن کلیسارا بساخت برحسب عقیدهٔ ارتودوکسی که خدارا کلمه و کلمه راحکمت میدانند آنرا بنازدرگاه حکمت قدوسی Sainte-Sagesse نمود و ایاصوفیا نامید .

(۸) کنیسه - برمعبد نصاری ویهود هردو استعمال میشود [illegible] .

پنداشت آن بنا راباقی بروزگار
ای غافل آنکه چشم بقا از زمانه داشت !

۱۷ - مسجد

دور سپهر چون سپه رومیان شکست ،
بنیان قصر قیصر از آن داستان شکست .
سلطان ترك (۱) سوی ایاصوفیا شتافت
بانگ نماز داد و صف کافران شکست .
اسلامبول (۲) گرفت بفتح محمّدی (۳)
رایات عیسوی را ، بر آستان شکست !
تا شد عیان ز گنبد ، مشکاة نور حق (٤)
شمع مسیح بر زبر شمعدان شکست !
نقش صلیب از در و دیوار محو ساخت (٥)
آوای ارغنون (٦) بر بانگ اذان (۷) شکست !

---

(۱) سلطان ترك - محمد دوم ملقب به « فاتح » هفتمین سلطان عثمانی که از ۱٤٥۱ تا ۱٤۸۱ در اناطولی و بالکان سلطنت میکرد ، متولد بسال ۸۳۲ هـ /۱٤۲۹ م . شهر قسطنطنیه‌را ازدست آخرین امپراطوران مسیحی بگرفت ، واین فتح در ۲۹ ماه مه ۱٤٥۳ واقع شد . گویند در روز فتح پیاده به ایاصوفیا رفت ومؤذنین را امر فرمود که اذان گفتند ونماز شکرانه در دهلیز کلیسا بسوی قبلهٔ اسلام بجای آورد - و در همانجا محرابی بیادگار بساخته‌اند ، واز آن‌تاریخ ایاصوفیا بصورت مسجددرآمد.
(۲) اسلامبول - نامی است که عثمانیان از اواخر قرن هجدهم بشهر استانبول نهادند وهمان نام را برسکه ضرب کردند ومرکب است ازدوکلمهٔ «اسلام» و «بول» بترکی یعنی - اسلام فراوان .
(۳) فتح محمدی - ایهام است بنام نبی (ص) ونام سلطان فاتح .
(٤) مشکاة نورحق - در دائرهٔ وسط گنبد رفیع ایاصوفیا . آیهٔ مبارکهٔ نور - مثل نوره کمشکوة.. بخط ثلث بسیار زیبا ونمایان کتیبه شده که هنوز برقرار ومحل اعجاب نظارگان است .
(٥) نقش صلیب - پس از فتح استانبول برحسب امرسلاطین آل‌عثمان نقش‌صلیب راکه برروی‌سنگ ایوانها وازاره ها نقش کرده بودند محو ساختند که هنوز اثر آن جابجا دیده میشود ، و نیز صور و نقوش موزائیك را که در دوره مسیحیت رسم نموده بودند باگچ مستور کردند .
(٦) ارغنون - معرّب - ارگ - که به لاتن Organum گویند ازآلات معروف موسیقی است که درکلیساها درموقع انجام مراسم مذهبی مینوازند .
(۷) بانگ‌اذان- کلمهٔ‌اسلام‌ومقدمهٔ‌نماز - ازآن‌تاریخ که‌درایاصوفیا اذان گفتندنواختن‌ارگ‌موقوف‌شد.
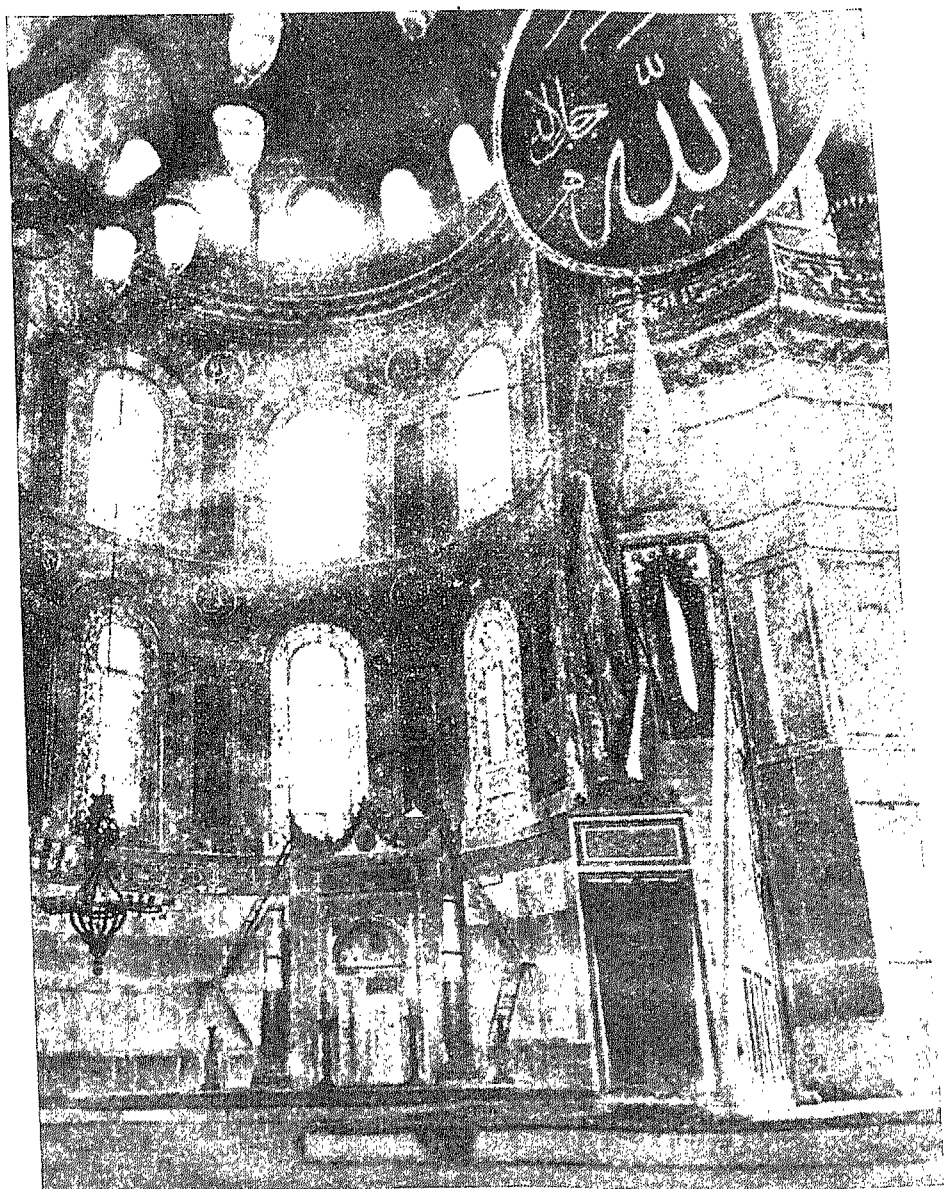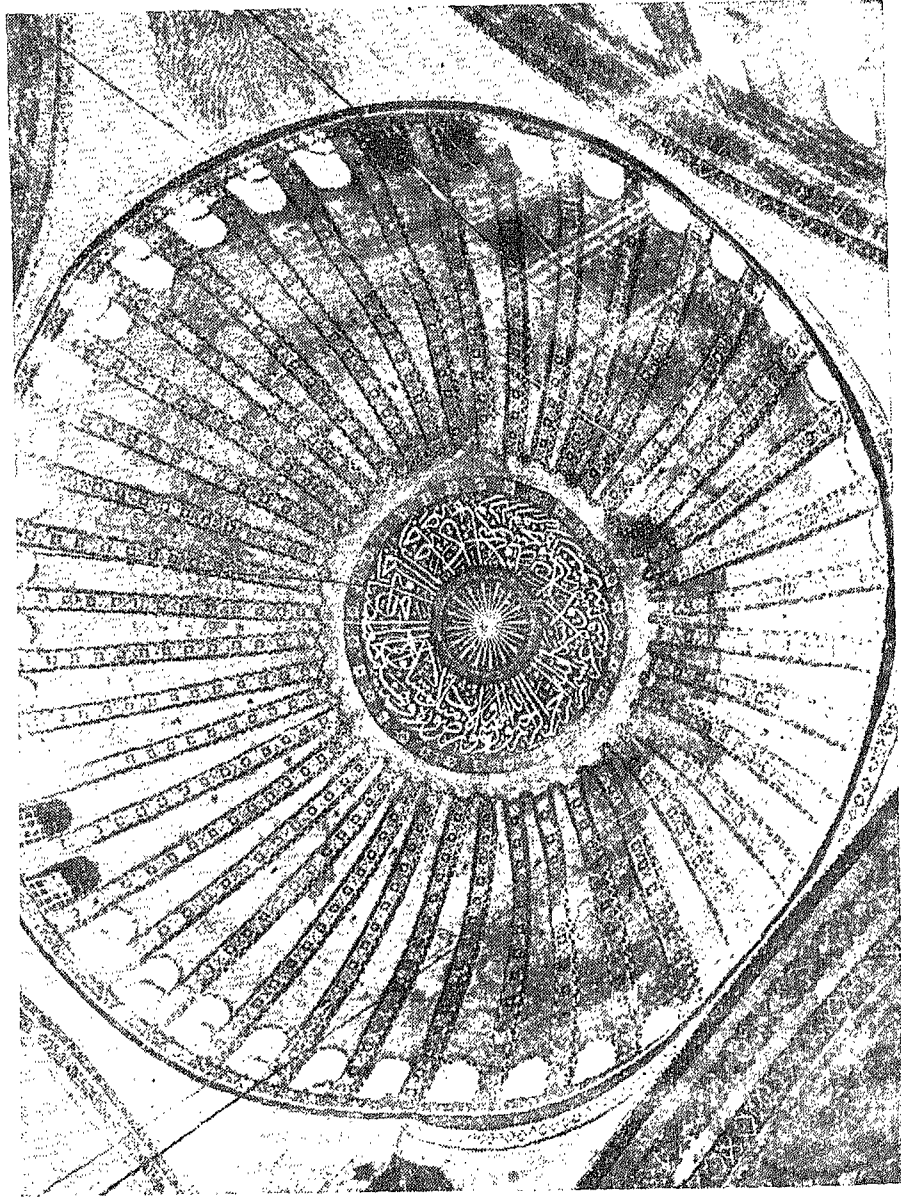
سقف گنبد مسجد ایاصوفیا

محراب کج نهاد که قبله کنند راست(۱)
زین کجروی درست دل راستان شکست !
از - اینما تولّوا (۲) - گویا نکرد یاد
آن فاتحی که طاق کلیسا چنان شکست .

۷ موزه

تا سایه بر گرفت از آن آستان همای ،
شد بسته باب عالی و دروازهٔ سرای (۳) !
سلطان (٤) بینوا را از دست رفت کار ،
دولت سر آمد آخر و پرچم بشد ز پای !
شاخی جوان برست مگر از بن کهن .
چون اصل شد اصیل ، بود فرع جانفزای .
بر زادگان ترك - آتاتورك (٥) شد پدر
فرزند سربلند و پدر شد بلند رای .
بر تافت روی خاطر از آداب شرقیان ،
شد قوم ترك را بسوی غرب رهنمای .

(۱) محراب کج نهاد - گویند که وجههٔ کلیسای ایاصوفیا بطرف قدس (اورشلیم) بوده است . چون سلاطین مسلمان ترك محراب مسجدرا بطرف کعبه ساختند بالطبع درمرکز بنا واقع نشده و بضلع شرقی متمایل است که وجههٔ آن بسوی جنوب میباشد .
(۲) اینماتولوا - اشاره بآیهٔ شریفهٔ - «ولله المشرق والمغرب اینما تولوا فثم وجه الله» البقره - ۱۲۵ .
(۳) آستان - آستانهٔ علیه - لقبی است که بدربار سلاطین آل عثمان دادهاند ، وباب عالی - دفتر مرکزی حکومت عثمانیه ، شامل بردفتر صدراعظم و وزیر خارجه وشورای سلطانی بوده که درنزدیکی ایاصوفیا واقع ، وا کنون مقرّ حکمران شهر استانبول است . کلمهٔ - سرای - فارسی را به قصور سلطنتی ترك میگفتهاند و بزرگترین قصر ، طوپ قاپوسرای ، یعنی « قصر باب المدفع » که سلطان محمد فاتح بنا نهاد درجنب ایاصوفیا موجود است .
(٤) سلطان بینوا - آخرین سلطان عثمانی که در زمان او سلطنت آن خاندان منقرض شد و رسم خلافت برافتاد . عبدالمجید دوم فرزند عبدالعزیزخان در سال ۱۹۲۲ م . بسلطنت نشست و در سال ۱۹۲٤ خلع شد و دولت جمهوری ترکیه برقرار گردید .
(٥) اتاتورك - مصطفی کمال ملقب به - اتاتورك - یعنی پدر ترك پیشوای نهضت جدید ترکیه ، ومؤسس جمهوریت واولین رئیس جمهور آن کشور ، دراکتوبر ۱۹۳۸ درطولمه باغچه وفات یافت .

استنبل (۱) آنچنان پی رسم فرنگ رفت
کش ماند موزهٔ (۲) زایا صوفیا بجای !
مسدود کرد معبد حق را بروی خلق
حاجب به بست در ، که به پروانه اندر آی !

VI - روزگار

بنشست دردها بدل از جور روزگار !
برخیز ساقیا ز کرم داروئی بیار .
بگرفت دل ز ساحل قرن‌الذّهب (۳) بیار
ای باد ، بوئی از بر آن سیم تن نگار .
بنگر بداستان ایا صوفیا دمی
ای دیدهٔ بصیر از آن گیر اعتبار (٤)
برخوان بسی روایت از قیصرو (٥) سزار (٦) !
بشنو بسی حکایت از خان (۷) و خوندگار (۸)

---

(۱) استنبل یا اصطنبل - تلفظ ترکی - کنستان تینوپل - است و این اسم در آثار جغرافیائی وادبی مسلمانان از قرن ششم آمده ، رجوع شود بیاقوت - و قاموس ورحلهٔ ابن بطوطه - و حتی مسعودی درقرن چهارم این شهر را « استانبولن » ضبط کرده است ، ودراینزمان نیزآنرا هم چنان استانبول Stanbül گویند .

(۲) موزه - محل مجموعهٔ آثار صنعتی یا تاریخی را گویند ، و اصل آن ازکلمه یونانی Mousèion آمده (یعنی معبد موزها) - بعداز استقرارحکومت جمهوری جدید ترکیه ایاصوفیا را جزو موزه‌های ملی قرار داده‌اند که ورود بآن در برابر پرداخت وجه و گرفتن بلیط است .

(۳) قرن الذهب - Corne d'or نام خلیجی است از متفرعات بسفر که شهر استانبول را بدوقسمت تقریبا شمالی وجنوبی منقسم ساخته است .

(٤) ای دیدهٔ بصیر - اشاره بآیهٔ شریفهٔ : « یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین فاعتبروا یا اولی الابصار .

(٥) قیصر - معرّب César ابتدا لقب امپراطوران روم از خاندان ژول سزار بوده که بعدها به مطلق سلاطین روم استعمال شده‌است - جمع قیاصره .

حواشی ٦-۷-۸ درصفحهٔ بعد است .

از آن زمان که قیصر ، آن دیر برفراشت
بشمار سالها که بود پانصد و هزار (۱) !
پانصد هزار سال دگر گر گذر کنی
آنجا ، اثر نبینی زان دیرو زآن دیار ! ! !
در روزگار بین و مبین جز ره نیاز ،
« بگذر ز کبر و ناز که دیده است روزگار (۲) ...... »

استانبول - شهریور ۱۳۳۰
علی اصغر حکمت

حواشی صفحهٔ قبل :

(٦) سزار - لقب ژولیوس Jules که در رومیة الکبری از درجهٔ سربازی به مقام سلطنت نشست ودر قرن اول مسیحی باکمال اقتدار بر مملکت روم پادشاهی کرد ، ونام سزار از آن به بعد به قیاصره روم اطلاق شد .

(۷) خان - لقب سلطنت که پادشاهان ترک در آسیای مرکزی که بعدها پادشاهان عثمانی پس از اسم خود میآوردند - گویند از ریشه چینی Khang یا Ung بمعنی شاه گرفته شده - وقتی که سلاطین عثمانی لقب پاشا (مخفف پادشاه) را به سرداران خود عطا میکردند شاهان صفوی نیز دربرابر ، لقب خان‌را به امراء خود دادند واین عنوان تا سال ١٣٠٤ شمسی در ایران متداول و روان بود .

(۸) خوندگار - یا خونگار مخفف « خداوندگار » لقبی است که به بعضی از سلاطین آل عثمان مخصوصاً سلطان مرادخان اول میداده‌اند .

(۱) پانصد وهزار - تاریخ بنای ایاصوفیا درآغاز بدست کنستانتین کبیر در سال ٤٣٧ م واتمام قطعی آن بصورت کنونی بدست جوستینیان بسال ٥٥٨ م . است که تا این زمان که سال ١٩٥١ م میباشد درحدود ١٥٠٠ سال میگذرد .

(۲) بگذر ز کبر و ناز .... این مصراع از خواجه حافظ است که به تضمین آمده - :

« بگذر ز کبروناز که دیده است روزگار   چین قبای قیصر و طرف کلاه کی »

۸۹۱۵۰۱۵۲۱
۱۳۶۲
ایا صوفیا
Date
No.
Date
No.